

فصل چهارم: فاجعه منا از منظر حقوق بین الملل

◀ دکتر سید یاسر ضیائی^۱

حادثه منا به عنوان یک پدیده تاریخی و کیفری، متضمن آثاری حقوقی در عرصه بین‌المللی است. هرچند ذی‌نفع اصلی این حادثه دلخراش، جان‌باختگان و خانواده‌های آنان بوده‌اند، اما کشورهای متبوع این قربانیان نیز از دو جهت ذی‌حق قلمداد می‌شوند: اول اینکه کشورها به طور تاریخی و ذاتی از اتباع خود حمایت می‌کرده‌اند و در صورتی که مطالبه مسئولیت بین‌المللی دولت متخلف مستقیماً قابل طرح نباشد؛ لازم است که دولت متبوع آنها، در چارچوب حمایت دیپلماتیک، از آنان حمایت حقوقی به عمل آورند؛ دوم اینکه حج به عنوان یک برنامه عبادی همیشگی و هرساله و مشترک میان کشورهای اسلامی، نیازمند مدیریت صحیح است و ورود کشورهای اسلامی در این موضوع برای اصلاح این مدیریت، ضروری است. ذیلاً مسئولیت بین‌المللی عربستان و اصلاح مدیریت حج با استفاده از ظرفیت‌های حقوقی بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه قم.

مبحث اول: حادثه منا در پرتوی مسئولیت بین‌المللی

مسئولیت بین‌المللی دولت عربستان به دو صورت قابل طرح است: اول طرح مسئولیت بین‌المللی عربستان از سوی جمهوری اسلامی ایران به عنوان نقض تعهدات عربستان در برابر ایران، و دوم طرح مسئولیت بین‌المللی عربستان از سوی جمهوری اسلامی ایران به عنوان نقض تعهدات عربستان در برابر اتباع ایران که در این حالت، طرح مسئولیت در چارچوب حمایت دیپلماتیک صورت می‌گیرد.^۱ در اینجا که امکان توسل اشخاص خصوصی به مراجع بین‌المللی برای طرح مسئولیت بین‌المللی دولت متخلف علی‌القاعده وجود ندارد، دعوا از یک مخاصمه خصوصی، به دعوی بین‌المللی تبدیل خواهد شد.

طبق ماده ۱ طرح پیش‌نویس حمایت دیپلماتیک، امکان طرح مسئولیت بین‌المللی برای عمل متخلفانه بین‌المللی یک دولت علیه اتباع دولت دیگر (بیگانگان) وجود دارد. لذا چنانچه دولت متخلف، یک تعهد بین‌المللی نسبت به بیگانگان را در خاک خود نقض کرده باشد، امکان طرح مسئولیت بین‌المللی، در چارچوب حمایت دیپلماتیک وجود خواهد داشت. با این حال طبق تفسیر شماره ۵ کمیسیون حقوق بین‌الملل در همین ماده، دولت مختار است که مسئولیت بین‌المللی دولت متخلف را طبق حقوق خود یا حقوق اتباع خود مطرح نماید.^۲

در هر صورت برای طرح مسئولیت بین‌المللی دولت، لازم است دو مؤلفه انتساب و نقض تعهد احراز گردد. ماده ۲ طرح پیش‌نویس کنوانسیون طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، مورخ ۲۰۰۱، در این رابطه بیان می‌دارد: «عمل متخلفانه یک دولت زمانی مطرح می‌شود که عمل شامل فعل یا ترک فعلی باشد که الف) طبق حقوق بین‌الملل

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک. «پاسداری از حقوق فردی: تحلیل رای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه گینه علیه کنگو»، محسن عبدالهی، علی حسنخانی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ش ۴۵، صص ۳۱-۵۲.

2. Draft Articles on Diplomatic Protection with commentaries, 2006, Article 1.

قابل انتساب به دولت باشد و ب) متضمن نقض یک تعهد بین‌المللی آن دولت باشد.^۱ اولویت دادن به احراز انتساب عمل به دولت نسبت به احراز نقض تعهد بین‌المللی از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل، به دلایل فنی و تکنیکی اثبات آن بوده است. در هر صورت بدون اثبات وجود یک تعهد بین‌المللی لازم‌الاجرا در زمان نقض، نمی‌توان مسئولیت بین‌المللی یک دولت را اعلام نمود.

گفتار اول: تعهدات بین‌المللی عربستان در حادثه منا

هرچند رویکرد دولت پادشاهی عربستان سعودی نسبت به حقوق بین‌الملل، رویکردی منفعلانه و انزواگرایانه است، با این حال طرف معاهدات بین‌المللی مختلفی قرار گرفته است. تعهدات بین‌المللی عربستان در رابطه با برگزاری حج را می‌توان به دو دسته تعهدات بین‌المللی عام و تعهدات بین‌المللی در برابر ایران تقسیم کرد.

بند اول: تعهدات بین‌المللی عربستان در برگزاری حج

تعهدات بین‌المللی عربستان در خصوص حج به دو دسته تعهدات قراردادی و تعهدات غیرقراردادی قابل تقسیم است.

۱. تعهدات غیرقراردادی

این تعهدات شامل اصول کلی حقوقی بین‌المللی و عرف بین‌المللی می‌شود.

الف) اصل حداقل استانداردهای بین‌المللی

از جمله تعهدات غیرقراردادی عربستان در رابطه با حاجیان، رعایت اصل «حداقل حقوق بیگانگان» است. هرچند امروزه دولت‌ها الزامی به پذیرش ورود خارجی‌ان ندارند اما چنانچه به هر طریقی خارجی وارد قلمروی آن دولت شد، لازم است حداقل حقوقی برای او به رسمیت شناخته شود. برخی علمای حقوق سعی کرده‌اند در این مورد حداقل حقوقی

1. Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001, Art. 2.

را برای بیگانگان در نظر بگیرند؛ مثلاً وردروس اتریشی این حقوق را در پنج مؤلفه بیان کرده است: شناختن حقوق خصوصی لازم برای ادامه زندگی، احترام به شخصیت افراد از جمله آزادی شخص و احترام مسکن، احترام به حقوق مکتسبه بیگانگان، حق مراجعه به دادگاه‌های کشور، حمایت از بیگانگان در مقابل اعمالی که موجب زیان مالی و جانی برای آنها باشد.^۱ این نظریه در مقابل نظریه رفتار ملی و رفتار متقابل قرار دارد.

طبق این اصل لازم است که دولت میزبان حداقل استانداردهای بین‌المللی را در مورد خارجی‌ان رعایت کند؛ ولو اینکه این استانداردها از شیوه رفتار دولت با اتباع خود بالاتر باشد. یکی از جنبه‌های حداقل رفتار بین‌المللی، رعایت استانداردهای بین‌المللی در زمان فوت گردشگر یا زائر خارجی است. در صورت فوت گردشگر خارجی، مسئولان شرکت‌های خدمات مسافرتی یا مراکز اقامتی باید بلافاصله مراتب را به نیروی انتظامی اطلاع دهند. خروج جسد این فرد از کشور، شامل قوانین ورود و خروج مسافر نیست و از لحظه فوت، مشمول مقررات بار و گمرکی خواهد بود.^۲

دولت عربستان نه تنها به رفتارهای غیراستاندارد در زمان برگزاری حج، مانند تبعیض نسبت به زائران و حاجیان ایرانی و شیعه، متهم است، بلکه در خصوص حادثه منا نیز رفتارهای قابل قبول بین‌المللی نداشته است. در زمان بروز حادثه، نه تنها ارسال کمک‌های انسان‌دوستانه، به موقع و مؤثر نبوده است، بلکه بعد از بروز حادثه نیز دفن دسته جمعی و قصور در بازگرداندن اجساد متوفیان به کشورهای متبوع، نقض قاعده حداقل رفتار بین‌المللی محسوب می‌شده است. باید توجه داشت که این اقدام نه تنها از حداقل رفتار بین‌المللی، بلکه حتی از اصل رفتار ملی نیز نازل‌تر است.

ب) اصل پیشگیری و تلاش معقول^۳

طبق این اصل دولت‌ها ضمن اینکه خود مرتکب تخلفات بین‌المللی نمی‌شوند، لازم

۱. حقوق بین‌الملل خصوصی، بهشید ارفع نیا، ص ۲۲۳.

۲. قوانین و مقررات جهانگردی و هتلداری، محمود یزدی مهریزی، ص ۱۰۰.

است زمینه تخلفات بین‌المللی از سوی اتباع خود را فراهم نسازند و تلاش لازم را برای پیشگیری از نقض تعهدات بین‌المللی خود داشته باشند. منظور از این اصل این است که دولت استانداردهای رفتاری برای حکمرانی مطلوب را که مورد انتظار بوده است اعمال نکرده است. شرایطی برای این اصل مطرح شده است، مانند اصل قابل پیش‌بینی بودن، رعایت احتیاط، و همکاری فرامرزی مانند اطلاع‌رسانی و مشورت.^۱ هرچند این اصل در رابطه با محیط زیست مطرح گردید، اما امروزه در حوزه‌های مختلفی مانند حقوق دیپلماتیک، رفتار با بیگانگان و مبارزه با جنایات بین‌المللی قابل استناد است. یکی از نتایج این اصل، اعمال مجازات لازم برای اشخاصی است که اسباب نقض تعهدات بین‌المللی دولت میزبان را ایجاد کرده‌اند.^۲

حوادث قبلی در مکه و در زمان برگزاری حج که منجر به کشته شدن بسیاری در زمان‌های مختلف شده است^۳ مستلزم اتخاذ تدابیر لازم برای پیشگیری از حوادث مشابه

1. Maria Flemme, Due Diligence in International Law, Master thesis in University of Lund, 2004, pp. 14-17, available at <https://lup.lub.lu.se/luur/download?func=downloadFile&recordId=1557482&fileId=1564336>

2. Ibid, p. 33.

۳. برخی از مهم‌ترین حوادث در زمان حج در طول چهار سال گذشته بدین شرح‌اند: ۶ ژانویه ۲۰۰۶: کشته شدن ۷۶ نفر بر اثر ریزش یک هتل در مرکز مکه؛ ۱۲ ژانویه ۲۰۰۶: ۳۶۴ حاجی در محل رمی جمرات در منا در فشار جمعیت کشته شدند؛ ۲۲ ژانویه ۲۰۰۵: سه حاجی هنگام رمی جمرات در منا جان خود را از دست دادند؛ اول فوریه ۲۰۰۴: ۲۵۱ حاجی در فشار جمعیت در نخستین روزهای رمی جمرات کشته شدند؛ ۱۱ فوریه ۲۰۰۳: کشته شدن ۱۴ حاجی از جمله ۶ زن در نخستین روزهای رمی جمرات در منا؛ ۵ مارس ۲۰۰۱ / ۱۲۸۰ ش: هنگام رمی جمرات، ۳۵ حاجی کشته شدند و شمار زیادی از حجاج اندکی آسیب دیدند؛ ۹ آوریل ۱۹۹۸ / ۱۳۷۷ ش: در فشار جمعیت در رمی جمرات ۱۱۸ حاجی کشته و بیش از ۱۸۰ نفر زخمی شدند؛ ۱۵ آوریل ۱۹۹۷ / ۱۳۷۶ ش: کشته شدن ۳۴۳ حاجی و مجروح شدن بیش از ۱۵۰۰ نفر در آتش‌سوزی در چادرهای حجاج در منا؛ ۷ می ۱۹۹۵ / ۱۳۷۴ ش: در آتش‌سوزی چادر حجاجان در منا ۳ نفر کشته و ۹۹ نفر دیگر زخمی شدند؛ ۲۴ می ۱۹۹۴ / ۱۳۷۳ ش: ۲۷۰ حاجی در فشار جمعیت هنگام رمی جمرات کشته شدند؛ ۲ ژوئیه ۱۹۹۰ / ۱۳۶۹ ش: ۱۴۲۶ حاجی اغلب از آسیایی‌ها در فشار جمعیت در تونلی در منا، احتمالاً بر اثر نقض فنی در سیستم تهویه، دچار خفگی شده و جان خود را از دست دادند؛ ۱۰ ژوئیه ۱۹۸۹ / ۱۳۶۸ ش: حمله به اطراف مسجدالحرام یک کشته و ۱۶ زخمی برجای گذاشت. پس از آن

بوده است. از جمله این اقدامات توسعه فضای فیزیکی و استفاده از کارشناسان زبده و ترویج فرهنگ انسان‌دوستی میان نیروهای امنیتی بوده است. پس از بروز حادثه نیز عربستان متعهد بوده است برای جلوگیری از تخلفات نیروهای امنیتی خود، تلاش معقولی داشته باشد؛ همان‌طور که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کارکنان دیپلماتیک بیان داشت که از زمانی که دولت ایران تلاش لازم برای جلوگیری از استمرار تخلفات ارتكابی از سوی دانشجویان را نداشت، مسئولیت بین‌المللی ایران مطرح می‌گردد.^۱

۲. تعهدات قراردادی

منظور از تعهدات قراردادی تعهدات ناشی از معاهدات بین‌المللی اعم از دوجانبه و چندجانبه است.

کنوانسیون وین در خصوص روابط کنسولی ۱۹۶۳

طبق ماده ۳۷ این کنوانسیون، در مواردی که اتباع خارجی در کشوری فوت شوند، چنانچه اطلاعاتی نزد مقامات صالح دولت میزبان باشد، آن دولت ملزم است که نماینده

در ۲۱ سپتامبر ۱۶ کویتی به اتهام انجام این حمله اعدام شدند؛ ۳۱ ژوئیه ۱۹۸۷/۱۳۶۶ش: نیروهای امنیتی عربستان تظاهرات مسالمت‌آمیز حجاج ایرانی را با خشونت تمام سرکوب کردند که بر طبق آمار رسمی عربستان، ۴۰۲ حاجی، از جمله ۲۷۵ ایرانی کشته شدند؛ ۲۰ نوامبر ۱۹۷۹/۱۳۵۸ش: صدها نفر از نیروهای مسلح مخالف نظام عربستان به مدت دو هفته در مسجدالحرام تحصن کردند و ده‌ها حاجی را گروگان گرفتند که در ۴ دسامبر مورد حمله قرار گرفتند و آمار رسمی حاکی از ۱۵۳ کشته و ۵۶۰ مجروح است؛ دسامبر ۱۹۷۵/۱۳۵۴ش: آتش‌سوزی عظیم در چادرهای حجاج، ۲۰۰ کشته بر جای گذاشت.

<http://fa.alalam.ir/news/1740476>

1. However, the Iranian State...which, as the State to which the mission was accredited, was under obligation to take appropriate steps to protect the United States Embassy...did nothing to prevent the attack, stop it before it reached its completion or oblige the militants to withdraw from the premises anti release the hostages...

ICJ Reports, United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran, 1980, paras 45-55.

کنسولی را بدون تأخیر مطلع نماید. مهم‌ترین حق نقض شده اتباع ایرانی حق «دسترسی کنسولی»^۱ است. در قضیه برادران لاگرانند نیز مهم‌ترین ادعای دولت آلمان، نقض حقوق خود و اتباعش از دسترسی کنسولی بود. در خصوص ماهیت این حق اختلاف نظر است و برخی آن را حق بشری و برخی صرفاً حقی بین‌الدولی می‌دانند. آلمان در دادخواست خود، نقض حقوق مذکور را نقض حقوق بشر می‌داند که مورد پذیرش دیوان بین‌المللی دادگستری قرار نگرفت.^۲ این در حالی است که دیوان آمریکایی حقوق بشر در قضیه رامون مارتینیز ویلارنال (تبعه مکزیکی) علیه ایالات متحده آمریکا، دولت خوانده را به نقض حقوق بشر از طریق عدم اطلاع به تبعه جهت آگاهی از حقوق خود محکوم کرد.^۳ در هر صورت به دلیل عضویت ایران و عربستان در کنوانسیون روابط کنسولی، مسئولیت بین‌المللی عربستان به سبب نقض اصل دسترسی کنسولی محرز خواهد بود. عربستان پس از حادثه منا نه تنها آمار دقیقی از تعداد کشته‌شدگان به کشورهای متبوع آنان نداد، بلکه دسترسی نمایندگان کشورهای متبوع قربانیان به آنها نیز به سختی امکانپذیر بود. حتی تاکنون نیز عربستان آمار دقیقی به کشورهای متبوع قربانی ارائه نداده است.

بند دوم: تعهدات بین‌المللی عربستان در رابطه با ایران

ایران و عربستان عضو معاهدات چندجانبه بسیاری هستند و حداقل شش معاهده دوجانبه میان این دو کشور منعقد شده است. تنها معاهده مرتبط با حادثه منا، موافقتنامه همکاری‌های امنیتی میان جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عربستان سعودی مورخ ۱۳۸۰ (موافقتنامه همکاری امنیتی) است. طبق این موافقتنامه، دو کشور در زمینه پیشگیری از جرایم مورد توافق (شامل مبارزه با جعل اسناد دولتی، پول، کارت‌های

1. Consular access

2. ICJ Reports, The LaGrand Case (Germany v. United States of America), 2001, paras. 2,3.

۳ «تحلیل اقدام عربستان سعودی در اعدام اتباع ایرانی بر اساس موازین بین‌المللی»، عباس برزگرزاده، تعالی حقوق، ش ۳، ص ۹۳.

اعتباری و اسکناس و فروش غیرقانونی آنها و نیز جرائم اقتصادی از جمله تطهیر پول، قاچاق اسلحه، مهمات و مواد منفجره، قاچاق کالا و میراث فرهنگی، تجاوز به جان، مال و تجاوز به عنف و اعمال منافی عفت عمومی) و مجازات مجرمان همکاری لازم را خواهند داشت. چنانچه شائبه کیفری بودن حادثه منا مطرح باشد، مطمئناً لازم است عربستان، بر مبنای جرم تجاوز به جان، همکاری لازم را با ایران داشته باشد.

همچنین طبق بند ۶ ماده ۲ طرف‌های متعاقد در جهت ارتقای کیفی شیوه‌ها و ابزارهای پیشگیری از جرائم موضوع موافقتنامه، تأمین امنیت و برقراری نظم عمومی همکاری لازم را به عمل خواهند آورد. با این حال طبق ماده ۳، عملیات نجات در حوادث امنیتی در این موافقتنامه به قلمروی دریا محدود شده است و شامل حوادث داخل سرزمین ایران یا عربستان نمی‌شود. ماده ۶ این موافقتنامه نیز شرایطی را برای خودداری از همکاری بیان کرده است که شامل استناد به آسیب به امنیت و منافع ملی، نقض حاکمیت ملی، تعارض با حکم قضایی و جریان دادرسی طرف مورد درخواست است. با این حال در این گونه موارد، لازم است طرف مورد درخواست دلیل خودداری از همکاری و تبادل اطلاعات را کتباً به طرف درخواست‌کننده اعلام نماید.

گفتار دوم: انتساب حادثه منا به عربستان

برای انتساب یک عمل متخلفانه به دولت لازم است که آن عمل توسط ارگان‌های دولتی یا ارگان‌های خصوصی تحت کنترل دولت ارتکاب یابد. برگزاری حج در عربستان بر عهده وزارت حج و وزارت کشور است. نیروهای امنیتی علی‌القاعده زیر نظر وزارت کشور مسئولیت تأمین امنیت برگزاری حج را بر عهده دارند. با این حال اخبار منتشره حاکی از آن است که عربستان از سال ۲۰۱۰ میلادی قراردادی را با یک شرکت انگلستانی به نام G4S برای تأمین برخی پروژه‌های عربستان منعقد کرده است. وبسایت رسمی شعبه عربستانی این شرکت، گواهی بر این واقعیت است. طبق اطلاعات موجود در سایت این شرکت، این شرکت خدماتی از جمله تأمین امنیت در

مراسم‌های پرجمعیت مانند المپیک و حج را ارائه می‌دهد. پایگاه اینترنتی «گلوبال ریسرچ» در گزارشی به قرارداد عربستان با این شرکت با نام «المجال G4S» برای تأمین امنیت مراسم حج پرداخته است.^۱ شماره دو مجله داخلی این شرکت نیز اشاره می‌کند که در سال ۱۹۹۰ تعداد ۱۴۲۶ مسلمان در مکه بر اثر ازدیاد جمعیت کشته شدند و از آن زمان به بعد نیز شش حادثه دیگر در زمان برگزاری حج اتفاق افتاد، اما «امروز شرکت G4S قراردادی را با متروی جدّه منعقد کرده است تا به تأمین امنیت در زمان برگزاری حج در نوامبر امسال یاری رساند».^۲

حادثه منا را چنانچه ناشی از قصور کارکنان امنیتی وزارت حج و وزارت کشور عربستان بدانیم، مطمئناً مسئولیت بین‌المللی به دولت عربستان منتسب خواهد بود؛ اما چنانچه عربستان مدعی شود که بخش عمده نظارت بر مدیریت جمعیت در حج بر عهده شرکت G4S بوده است، موضوع انتساب عمل به عربستان مطرح می‌گردد. اصل کلی این است که عمل اشخاص خصوصی به دولت منتسب نمی‌گردد؛ مگر اینکه این رفتار یا طبق دستور، هدایت و کنترل دولت باشد (ماده ۸ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت)، یا به اعمال اقتدارات حاکمیتی اقدام نماید (ماده ۵ طرح) یا مورد تأیید دولت قرار گرفته باشد (ماده ۱۱ طرح).

استخدام شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی توسط دولت برای مدیریت امور امنیتی، از پدیده‌های نوظهور حقوق بین‌الملل است. برخی معتقدند که شرکت‌های نظامی خصوصی می‌توانند در حکم مزدوران موضوع بند ۱ ماده ۴۷ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو باشند.^۳ در این صورت می‌توان گفت که آن شرکت تحت

1. http://www.globalresearch.ca/saudi_hires_israel_friendly_security_firm_to_overlook_hajj_muslim_pilgrimage_to_mecca/5392600

2. http://www.g4s.com/~media/files/international%20magazine/2011%20issue%202/18_21_crowds.ashx, g4s International issue 2: 2011, p. 21

۳. رک. «شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی و حقوق بشردوستانه: جایگاه و مسئولیت»، عبدالنعیم شهرباری و لیلای رئیسی، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ش ۱۶، ص ۹۰.

هدایت نظامی آن دولت قرار دارد. اما در خصوص شرکت‌های امنیتی نمی‌توان چنین استدلال کرد و لذا برای انتساب رفتار شرکت G4S به دولت عربستان، لازم است معیارهای مختلف بررسی شود. مطمئناً تمام رفتار این شرکت تحت هدایت و کنترل عربستان نبوده، و همچنین اقدامات این شرکت مورد تأیید و پذیرش عربستان قرار نگرفته است. اما بدون شک این شرکت اقتدارات حاکمیتی^۱ عربستان را اعمال می‌کرده است. تأمین امنیت برگزاری تجمعات رسمی، رسماً بر عهده دولت‌هاست و در این مورد نیز اقدامات شرکت G4S در تأمین امنیت برگزاری حج به عربستان منتسب می‌گردد.

باید توجه داشت که چنانچه عمل مطابق ماده ۵ قابل انتساب به دولت باشد، دولت در قبال تمام اعمال واحد مد نظر، حتی فعالیت‌های خارج از حوزه اختیاراتش، مسئول خواهد بود. در چنین مواردی مطابق ماده ۷ پیش‌نویس مواد، رفتار ارگان‌ها و نهادهایی که اختیار دارند قدرت دولتی را اعمال کنند، به دولت منتسب می‌شود؛ حتی اگر این رفتار خارج از صلاحیت آن سازمان یا شخص مد نظر یا برخلاف فرمان‌های صادره، انجام شده باشد.^۲ در این مورد نیز وجود قرارداد میان عربستان و این شرکت، مسئولیت بین‌المللی دولت عربستان را در بروز حادثه دلخراش منا حتمی می‌نماید. ضمناً آنچه در طرح مسئولیت بین‌المللی عربستان ملاک خواهد بود، تعهدات بین‌المللی عربستان - و نه صرفاً تعهدات شرکت امنیتی طبق قرارداد داخلی - خواهد بود.

گفتار سوم: معاذیر رافع مسئولیت بین‌المللی عربستان در حادثه منا

همچون حقوق داخلی در حقوق بین‌الملل نیز معاذیری برای رفع مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها وجود دارد. عربستان ممکن است در رفع مسئولیت بین‌المللی از خود در حادثه منا به معاذیری استناد کند که ذیلاً برخی از آنها بررسی می‌شود.

1. Public authority

۲. «مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال ناقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی»، حسین شریفی طرازکوهی و مارال آذری، آفاق امنیت، ش ۱۲، ص ۷۳.

بند اول: ضرورت

ماده ۲۵ کمیسیون حقوق بین‌الملل، ضرورت را در صورتی برای زایل شدن مسئولیت بین‌المللی قابل استناد می‌داند:

الف) تنها شیوه برای حمایت از منافع اساسی دولت در برابر یک خطر قریب‌الوقوع باشد؛
ب) به طور جدی به منافع اساسی دولت یا دولت‌ها یا جامعه بین‌المللی لطمه‌ای وارد نسازد.

باید توجه داشت که استناد به این عذر، برخلاف سایر معاذیر، جنبه استثنایی دارد و نیازمند تفسیری مضیق است.^۱

به سه علت ممکن است عربستان به ضرورت استناد نماید. ممکن است عربستان حج تمتع را از ضروریات اسلامی بداند و حوادث ناشی از آن را اجتناب‌ناپذیر تلقی کند. در این حالت استناد به ضرورت نمی‌تواند مبنای حقوقی بین‌المللی داشته باشد؛ چراکه ضرورت موضوع ماده ۲۵، صرفاً به منافع اساسی دولت اشاره دارد و منافع ارزشی و دینی را مدنظر ندارد. ضمن اینکه تعیین سهمیه کشورها در اعزام حاجیان خود به عربستان با دولت عربستان است که قابل کنترل و برنامه‌ریزی است.

همچنین ممکن است عربستان به ضرورت عبور یکی از شاهزاده‌های عربستان همراه با حدود ۴۰۰ نیروی نظامی و امنیتی از مسیر منا استناد کند که ضرورت امنیتی و سیاسی آن را توجیه می‌نماید. بر اساس گزارش روزنامه‌الدیار لبنان به علت ورود این شاهزاده سعودی، مقامات امنیتی عربستان سعودی یکی از ورودی‌های اصلی منا را برای ورود شاهزاده خالد الفیصل، از وابستگان محمد بن سلمان، جانشین ولیعهد و پسر عربستان سعودی بستند تا وی به راحتی در مراسم شرکت کند و در نتیجه مسئولان عربستان سعودی کوچکی را برای ورود صدها هزار حاجی باز کردند تا آنها فقط از آن

۱. رک: «آثار معاذیر اضطرار و ضرورت در مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها»، محمدامین غفارزاده، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۸، ش ۲، صص ۳۱۷-۳۴۶.

ورودی برای کامل کردن شعائر دینی وارد منا شوند که سبب ازدحام شدید حجاج و وقوع فاجعه اندوه‌بار منا شد.^۱ عبور شاهزاده خالد الفیصل از منطقه منا که موجب انسداد و تراکم در مسیر حجاج شده است، نمی‌تواند مصداق ضرورت باشد؛ چراکه حضور یک مسئول با چنین وضعیتی لازمه منافع اساسی یک دولت نیست.

علاوه بر این احتمال دارد که عربستان به تمرکز امنیتی و نظامی خود بر موضوع یمن استناد نماید. حمله عربستان به یمن در سال ۲۰۱۵ که به ادعای عربستان با درخواست رئیس‌جمهور یمن صورت گرفته است، از دو جهت نمی‌تواند مبنای استناد به ضرورت برای قصور در تأمین امنیت حج باشد: اول اینکه رئیس‌جمهور یمن در زمان درخواست، مستعفی بوده است و صلاحیت درخواست نداشته است؛ دوم اینکه تجاوز عربستان به یمن اقدامی متخلفانه است که مشمول قاعده اقدام می‌گردد. به استناد بند ب ماده ۲۵ طرح کمیسیون، دولت نمی‌تواند به ضرورتی استناد نماید که خود موجب ایجاد آن شده است. لذا عربستان که خود سبب جنگ تجاوزگرانه شده است، نمی‌تواند مأموریت فرماندهان و نیروهای امنیتی برای یمن را مصداق ضرورت معرفی کند.

بند دوم: فورس ماژور

طبق ماده ۲۳ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل فورس ماژور عبارت است از یک حادثه که غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل کنترل و خارج از اراده دولت باشد. چنانچه حادثه‌ای مصداق فورس ماژور باشد، مسئولیت بین‌المللی دولت را مرتفع می‌کند. عربستان سعودی پس از حادثه منا به قضا و قدر الهی استناد کرد که ترجمان دیگری از فورس ماژور است. اما احراز هر سه شرط برای حادثه منا با تردید مواجه است. اولاً وقوع حوادث مشابه در سال‌های قبل و همچنین در حادثه جرتقیل همان سال، غیرقابل پیش‌بینی بودن حادثه را با اشکال مواجه می‌کند؛ ثانیاً پس از بروز حادثه نیز امکان امدادسانی به نحو مؤثرتر و به طور مثال

۱. به نقل از منبع غیر رسمی. برای ملاحظه برخی از ابعاد این مسئله رک:

آبرسانی به قربانیان وجود داشته است؛ ثالثاً خارج از اراده بودن حادثه نیز با توجه به مدیریت ضعیف و تقصیر برخی مسئولین با تردید مواجه خواهد بود.

بند سوم: مصالحه

برخی از دولت‌های متبوع قربانیان حادثه منا با دولت عربستان مصالحه کردند؛ به این صورت که یا بی‌تقصیری عربستان را در این حادثه پذیرفتند یا به نوعی توافق نمودند.^۱ مسئله این است که آیا مصالحه برخی دولت‌ها با عربستان رافع مسئولیت بین‌المللی آن دولت خواهد بود و آیا به واسطه این مصالحه، حق بازماندگان قربانیان حادثه منا در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت عربستان زایل خواهد شد؟ هرچند مصالحه یکی از علل رافع مسئولیت بین‌المللی نیست، اما اولاً مصالحه نوعی اعلام رضایت است که از موجبات زایل شدن مسئولیت بین‌المللی به شمار می‌رود و ثانیاً از آنجا که دعوای مصالحه شده اعتبار امر مختومه را دارد، می‌توان گفت که مصالحه مانع از طرح مجدد مسئولیت بین‌المللی دولت خواهد شد.

با این حال باید به ضوابط حقوق داخلی کشورها در مصالحه بین‌المللی توجه داشت؛ به طور مثال طبق اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد». موارد مهم را قانون تعیین می‌کند؛ لذا هرگونه مصالحه با دولت‌های خارجی، لازم است به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. باید توجه داشت چنانچه عربستان به تعهد خود نسبت به جبران خسارت مؤثر در این گونه حوادث، مانند پرداخت دیه و غرامت در حادثه سقوط جرتقیل در حج ۱۴۳۶، اقدام نماید، تصویب مجلس کان لم یکن است؛ چراکه

۱. برای مشاهده مواضع برخی کشورها در خصوص حادثه منا رک:

مصالحه‌های صورت نگرفته است و مسئولیت رفع گردیده است. اما در حادثه منا لازم است که دیه و غرامت مناسب پرداخت گردد و همان‌طور که رهبر انقلاب ایران تأکید داشته‌اند لازم است که عربستان سعودی از امت اسلامی و خانواده‌های داغدار عذرخواهی کند.^۱ در غیر این صورت اگر مصالحه‌ای صورت گیرد، لازم است که مجلس شورای اسلامی در جریان امر قرار گیرد.

گفتار چهارم: طرح مسئولیت بین‌المللی

پس از احراز شرایط مسئولیت بین‌المللی دولت، امکان طرح آن در چارچوب سازوکارهای بین‌المللی فراهم می‌شود. در خصوص حادثه منا چنانچه اختلاف بین‌المللی حل و فصل نگردد، امکان طرح مسئولیت بین‌المللی عربستان در مراجع حقوقی و سیاسی وجود خواهد داشت.

بند اول: سازوکارهای حقوقی

منظور از سازوکارهای حقوقی، نهادهایی است که قضات بی‌طرف در آن حکم صادر می‌کنند. این نهادها به دو دسته محاکم بین‌المللی و محاکم ملی تقسیم می‌شوند.

۱. محاکم بین‌المللی

در اینجا برخی محاکم بین‌المللی که امکان طرح مسئولیت عربستان، ناشی از حادثه منا، در آنها وجود دارد مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

الف) دیوان بین‌المللی دادگستری

طبق اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، تمام دولت‌های عضو سازمان ملل متحد می‌توانند به دو صورت صلاحیت دیوان را برای رسیدگی به اختلافات بین‌المللی خود بپذیرند: طبق یک معاهده بین‌المللی که قبل یا بعد از بروز اختلاف منعقد می‌گردد، یا از

1. <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=contentShow&id=13675>

طریق صدور اعلامیه پذیرش صلاحیت اجباری دیوان. در خصوص اختلاف بین‌المللی ناشی از حادثه منا، تنها معاهده‌ای که می‌تواند مستمسک قرار گیرد، کنوانسیون حقوق کنسولی ۱۹۶۳ است. باید توجه داشت که پذیرش صلاحیت دیوان در خصوص نقض این کنوانسیون در پروتکل الحاقی به این کنوانسیون مطرح شده است که جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۷۵ به این پروتکل ملحق شده است، اما عربستان سعودی به آن نپیوسته است. به همین جهت امکان ارجاع اختلاف به دیوان در چارچوب این کنوانسیون وجود نخواهد داشت.

ب) دیوان بین‌المللی کیفری

این دیوان در سال ۲۰۰۲ آغاز به کار کرد و تاکنون چهار جنایت بین‌المللی را در صلاحیت خود قرار داده است که عبارت‌اند از جرم نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی. هرچند اثبات تقصیر در حادثه منا می‌تواند موضوع را از مصادیق جنایت علیه بشریت قرار دهد، اما عدم عضویت ایران و عربستان در دیوان بین‌المللی کیفری، مانع از اعمال صلاحیت دیوان خواهد شد. تنها روش ممکن، ارجاع موضوع از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد به دیوان است که لازمه آن، اثبات عنصر تقصیر و سوء نیت در این حادثه از سوی یک مرجع قضایی یا سیاسی خواهد بود.

ج) دیوان بین‌المللی عدالت اسلامی

دیوان بین‌المللی عدالت اسلامی یکی از ارکان سازمان کنفرانس اسلامی است که در سال ۱۹۸۷ در کویت تأسیس شد؛ اما هنوز رسماً آغاز به کار نکرده است. با شروع به کار این دیوان، اعضای کنفرانس اسلامی که عضو دیوان نیز باشند می‌توانند راجع به نقض یک تعهد بین‌المللی، ماهیت یا قلمروی جبران خسارت ناشی از نقض یک تعهد و حل و فصل اختلافات میان اعضا به این دیوان مراجعه نمایند.^۱ چنانچه دیوان آغاز به

1. http://www.acihl.org/articles.htm?article_id=8

کار نماید و صلاحیت آن نیز به گذشته عطف گردد (همان‌طور که در شرایطی در دیوان بین‌المللی کیفری امکان‌پذیر است)، یکی از ظرفیت‌های طرح مسئولیت بین‌المللی علیه عربستان خواهد بود.

(د) داوری بین‌المللی

یکی از روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی، مراجعه به داوری بین‌المللی است که در این صورت لازم است دو طرف اختلاف طی موافقت‌نامه‌ای آن را به داوری ارجاع دهند. انتخاب داور از سوی طرف‌ها، اجرای رأی داوری را بیشتر تضمین می‌کند. هرچند عربستان سعودی در برخی دعاوی نفتی طرف داوری بین‌المللی قرار گرفته است،^۱ اما بعید است در چنین اختلافاتی وارد داوری بین‌المللی گردد.

۲. محاکم ملی

رجوع به محاکم ملی برای طرح مسئولیت بین‌المللی یک دولت، هرچند با مانع مصونیت دولت مواجه خواهد بود، اما در صورت رسیدگی، سریع‌ترین و مؤثرترین شیوه رسیدگی خواهد بود.

(الف) محاکم ملی عربستان

از آنجا که دولت‌ها در مقابل محاکم ملی خود مصونیت ندارند، اولین گزینه، رجوع به محاکم ملی عربستان است. طرح دعوا در این دادگاه علیه دولت عربستان لازم است طبق حقوق داخلی عربستان و تعهدات بین‌المللی آن دولت باشد. برخی دولت‌ها رویه صدور حکم علیه دولت خود را داشته‌اند،^۲ اما بعید است در چنین موضوعی که منافع ملی و اساسی یک دولت در میان است، دادگاهی علیه دولت خود حکم صادر کند.

۱. ر. ک: مباحثی از حقوق نفت و گاز در پرتو رویه داوری بین‌المللی، محبی محبی.

۲. مانند محکومیت تحریم بانک ملی ایران از سوی دولت انگلستان در دادگاه انگلستان و محکومیت اسرائیل در

قضیه بیت سوریک در دیوان عالی اسرائیل:

http://www.btselem.org/separation_barrier/beit_surik_ruling

ب) محاکم ملی ایران

طرح دعوا علیه دولت عربستان در محاکم ملی ایران از سوی خانواده قربانیان، بر مبنای صلاحیت شخصی منفعل، قابل تأمل است. هرچند طبق ماده ۸ قانون مجازات اسلامی، اولیای دم قربانیان حادثه منا می‌توانند علیه مسئولین و نیروهای امنیتی عربستان در دادگاه‌های عمومی ایران طرح دعوا نمایند،^۱ اما در خصوص طرح دعوا علیه دولت عربستان، قانون مجازات اسلامی و قانون مدنی ساکت‌اند و لذا لازم است به اصول کلی حقوقی مراجعه شود. طبق اصول هرچند طرح دعوا علیه دول خارجی در محاکم داخلی امکان‌پذیر است، اما اصل مصونیت دولت مانع از استماع دعوا در دادگاه خواهد شد. با این حال مصونیت دولت به عنوان یکی اصل حقوقی بین‌المللی، در مواردی چون اعمال تصدی‌گرایانه، جنایات بین‌المللی، رضایت، دعوای متقابل، مالکیت فکری و استخدام، قابل استثنا می‌شود.

یکی از استثنائات مصونیت دولت در کنوانسیون مصونیت قضایی دولت و اموال دولتی تحت عنوان «صدمات شخصی و خسارت وارده به اموال» ذکر شده است. ماده ۱۲ بیان می‌دارد «یک دولت در نزد دادگاه دولت دیگر که به نحوی در یک دادرسی مربوط به جبران خسارت مالی ناشی از مرگ، یا صدمه به شخص، یا خسارت به اموال یا از بین رفتن اموال عینی که به علت فعل یا ترک فعل قابل انتساب به آن دولت صورت گرفته، ذی‌صلاح است، چنانچه آن فعل یا ترک فعل همه یا بخشی از آن، در قلمرو آن دولت دیگر رخ داده باشد و چنانچه عامل فعل یا ترک فعل در زمان ارتکاب

۱. ماده ۸: هرگاه شخص غیر ایرانی در خارج از ایران علیه شخصی ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز

جرایم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی

ایران به جرم او رسیدگی می‌شود؛ مشروط بر اینکه:

الف) متهم در جرائم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تیرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات

کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد؛

ب) رفتار ارتكابی در جرائم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد.

فعل یا ترک فعل در آن قلمرو حضور داشته باشد، نمی‌تواند به مصونیت از صلاحیت استناد نماید؛ مگر اینکه دو دولت به شکل دیگری توافق نموده باشند.^۱ همان‌طور که معلوم است شرط اساسی استناد به این استثنا، ارتکاب فعل متخلفانه در قلمروی سرزمین دولت متبوع دادگاه است. این همان چیزی است که از آن به «استثنای شبه‌جرم سرزمینی»^۲ یاد می‌شود. لذا در خصوص فاجعه منا نمی‌توان به این استثنا رأی نقض مصونیت دولت عربستان توسل جست.

بند دوم: سازوکارهای سیاسی

منظور از سازوکارهای سیاسی، روش‌هایی جز رسیدگی قضایی و داوری است.

۱. کمیته حقیقت‌یاب

کمیته حقیقت‌یاب یک شیوه شبه‌قضایی است، به این معنا که هرچند اعضای آن، کارشناسان حقوقی هستند، اما تصمیم آنها بر خلاف محاکم قضایی و داوری، الزام‌آور نخواهد بود. این شیوه که، در خصوص حادثه منا، مورد تأکید رهبر انقلاب اسلامی قرار گرفت،^۳ بارها از سوی کشورهای مختلف استفاده شده است. تشکیل کمیته حقیقت‌یاب به دو گونه امکان‌پذیر خواهد بود. در شیوه اول، دو کشور کارشناسان حقوقی خود را تعیین می‌کنند تا برای تهیه گزارشی اقدام نمایند. در شیوه دیگر، یک کشور یا یک سازمان بین‌المللی بی‌طرف، برای تشکیل کمیته حقیقت‌یاب اقدام می‌کند.

تشکیل کمیته حقیقت‌یاب در چارچوب سازمان ملل متحد پیش‌بینی شده است. مجمع عمومی ملل متحد اعلامیه‌ای را ذیل قطعنامه ۴۶/۵۹، مورخ ۹ دسامبر ۱۹۹۱ تصویب کرد که این قطعنامه بر نقش کمیته‌های حقیقت‌یاب در حفظ صلح و امنیت

1. United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property, 2004.

2. Territorial tort exception

3. <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=contentShow&id=13675>

بین‌المللی تأکید نمود. کمیته حقیقت‌یاب در قطعنامه این‌گونه تعریف شده است: «هرگونه اقدامی که برای به دست آوردن اطلاعات دقیق از وقایع یک اختلاف یا وضعیتی که ارکان صلاحیت‌دار ملل متحد برای اجرای مؤثر وظایف خود در ارتباط با حفظ صلح و امنیت بین‌المللی لازم است داشته باشند». طبق بند چهارم این اعلامیه، کمیته‌های حقیقت‌یاب باید جامع^۱، هدفمند^۲ و بی‌طرف^۳ باشند.

طبق این اعلامیه اعزام کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل به یک کشور نیازمند رضایت قبلی دولت آن کشور است. همچنین تقاضای یک دولت برای اعزام یک کمیته حقیقت‌یاب به سرزمینش باید بدون تأخیر صورت پذیرد. تشکیل کمیته حقیقت‌یاب می‌تواند از سوی شورای امنیت، مجمع عمومی یا دبیرکل سازمان ملل، در چارچوب صلاحیت آنها در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی صورت پذیرد. از نظر این اعلامیه، شورای امنیت و مجمع عمومی لازم است برای اجرای وظایف خود که حفاظت از صلح امنیت بین‌المللی است، از این سازوکار بهره کافی را ببرند و در هر جا که لازم باشد، به ایجاد این کمیته در قطعنامه‌های خود پردازند.

بند ۱۹ این بیانیه اعلام می‌دارد که چنانچه دولتی درخواست اعزام کمیته‌ای به کشوری دیگر را به یکی از ارکان صلاحیت‌دار سازمان ارائه کند، این موضوع باید به اطلاع آن دولت برسد و آن دولت تصمیمش را بدون تأخیر صادر نماید. تمام دولت‌ها باید با کمیته‌ای حقیقت‌یاب همکاری کنند و کمک‌های لازم را به آن اعطا نمایند. همچنین طبق بند ۱۳ و بند ۱۴ این اعلامیه، دبیرکل در طرح‌های خود یا بنا به درخواست یک دولت، لازم است امکان ایجاد کمیته حقیقت‌یاب را در خصوص اختلافات و وضعیت‌های موجود بررسی کند. دبیرکل همچنین موظف است فهرستی از

1. comprehensive

2. objective

3. impartial

متخصصان در حوزه‌های مختلف را تهیه و روزآمد کند. این افراد از تمام مصونیت‌ها و مزایای مربوط به کارشناسان مذکور در کنوانسیون مصونیت‌ها و مزایای ملل متحد برخوردار خواهند بود. این افراد نباید از هیچ دولت یا مقامی پولی دریافت کنند و حتی پس از پایان دوره خدمتشان باید اطلاعات کسب شده را محرمانه^۱ نگه دارند. لازم به ذکر است که اعزام این کمیته‌ها به معنای بطلان گزارش سایر کمیته‌های ملی یا مکانیسم‌های حل اختلاف در داخل آن کشور نیست.^۲

۲. سازمان‌های بین‌المللی

یکی از سازوکارهای تعقیب اختلافات بین‌المللی، صدور قطعنامه در سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار است. در رابطه با موضوع حادثه منا، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، شورای امنیت سازمان ملل متحد، شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، کمیته حقوق بشر، سازمان اجتماعی فرهنگی ملل متحد (یونسکو)، سازمان جهانی جهانگردی، سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه کشورهای عرب، شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه بین‌المجالس، از جمله سازمان‌های بین‌المللی هستند که می‌توانند نسبت به صدور قطعنامه و محکومیت عربستان اقدام کنند. صدور قطعنامه در این سازمان‌ها اولاً نیاز به طراحی پیش‌نویس قطعنامه‌ای دارد که رأی اکثریت اعضا را جلب کند و ثانیاً جز شورای امنیت، قطعنامه سایر نهادها لازم‌الاجرا نیست.

همچنین در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی این امکان وجود دارد که گزارشگر ویژه‌ای برای رسیدگی به موضوع انتخاب شود. از ظرفیت‌های سازمان ملل متحد و همچنین سازمان همکاری کشورهای اسلامی، انتخاب گزارشگر ویژه است. انتخاب چند نفر با رأی حداکثری دولت‌های عضو سازمان اخیر و لزوم حضور مستمر این افراد

1. confidential

2. General Assembly Resolution 46/59 (1991)

در سرزمین وحی و برخوردار بودن از آزادی عمل در تهیه گزارش و داشتن امنیت کافی و کامل نسبت به گزارش‌های تهیه شده، می‌تواند کمک شایانی به حجاج نماید.^۱

گفتار پنجم: شیوه‌های جبران خسارت

طرح مسئولیت بین‌المللی موجب می‌شود تا کشور مسئول، خسارت پیش‌آمده را جبران کند. کمیسیون حقوق بین‌الملل از شیوه‌های اعاده وضع به حال سابق، توقف عمل متخلفانه، تضمین به عدم تکرار عمل متخلفانه، پرداخت غرامت، و جلب رضایت، به عنوان روش‌های جبران خسارت نام برده است. همچنین رویه دیوان بین‌المللی دادگستری نشان داده است که از نظر دیوان، صرف محکومیت دولت در یک مرجع بین‌المللی می‌تواند جبران خسارت برای دولت خواهان محسوب شود.

بند اول: غرامت

اولین شیوه جبران خسارت در حادثه منا پرداخت غرامت است که می‌تواند جنبه پرداخت خسارت و جنبه ترضی و جریمه‌ای داشته باشد. در حادثه سقوط جرقه‌ها، ظاهراً تا امروز هنوز عربستان برای پرداخت دیه اقدام نکرده است. اما در بسیاری از دعاوی مطروحه در محاکم داخلی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، پرداخت خسارت و جریمه هم‌زمان تعیین شده است. تعیین جریمه معمولاً در جایی است که عنصر عمد یا سوء نیت در ارتکاب عمل احراز شده باشد. در حادثه منا نیز کشور عربستان می‌تواند با پرداخت دیه مناسب به همراه مبلغی برای جبران خسارات معنوی، موجبات رضایت کشورهای متبوع قربانیان را فراهم آورد.

بند دوم: جلب رضایت

یکی از روش‌های جبران خسارت، جلب رضایت است که معمولاً از طریق عذرخواهی رسمی صورت می‌گیرد. همان‌طور که رهبر جمهوری اسلامی خواسته‌اند،

۱. حج و حقوق بشر، مسعود راعی، ص ۱۳۸.

دولت عربستان لازم است که از حادثه پیش آمده عذرخواهی کند. این عذرخواهی ملازمه‌ای با عمدی بودن حادثه ندارد و حتی در صورت غیرعمدی بودن حادثه، لازم است عربستان عذرخواهی کند. عربستان سعودی نه تنها عذرخواهی نکرده، بلکه این حادثه را به قضا و قدر الهی منتسب نموده است.^۱

بند سوم: تضمین به عدم تکرار عمل متخلفانه

در قضیه لاگران، دولت آلمان مدعی بود که نقض ماده ۳۶ کنوانسیون وین راجع به اطلاع‌رسانی از دستگیری یک متهم خارجی نمی‌تواند با صرف عذرخواهی جبران گردد. دیوان با پذیرش این خواسته بیان می‌دارد که لازم است آمریکا تضمینی برای تکرار نشدن حادثه مشابه بدهد. همین‌طور در قضیه اونا نیز دیوان بیان می‌دارد که لازم است آمریکا سیستمی را برای تجدیدنظر در ساختار حقوق داخلی خود ایجاد کند.^۲ لذا می‌توان گفت که نقض ماده ۳۷ کنوانسیون از سوی عربستان در حادثه منا نیز با عذرخواهی ساده پایان نمی‌پذیرد، بلکه به ارایه تضمینی برای عدم تکرار عمل متخلفانه نیاز است.

مبحث دوم: ظرفیت‌های حقوقی بین‌المللی مدیریت حج

ماده ۲۴ قانون اساسی عربستان بیان می‌دارد: «دولت عربستان اماکن مقدس را ایجاد و مدیریت می‌کند. دولت امنیت و مراقبت از حاجیان حج واجب و حج عمره^۳ را از طریق تأمین امکانات و صلح فراهم می‌کند. طبق این اصل، عربستان خود را متعهد به تأمین امنیت حج می‌داند که این موضوع علی‌القاعده به دست وزارت حج و وزارت کشور عربستان محقق می‌شود.

1. <http://www.entekhab.ir/fa/news/227280>

۲. «اعدام اتباع ایرانی در عربستان سعودی: ضرورت بازخوانی رویه قضایی در خصوص نقض مفاد، کنوانسیون روابط کنسولی (۱۹۶۳)»، آرامش شهبازی و جواد کاشانی، فصلنامه روابط خارجی، ش ۲، ص ۷۸.

3. minor pilgrimage

گفتار اول: مدیریت بین‌المللی حج

یکی از مسائل مطروحه میان حقوق‌دانان، سیاستمداران و اهالی رسانه، مسئله بین‌المللی شدن حج است. اینکه در حقوق بین‌الملل چه ظرفیت‌هایی برای بین‌المللی شدن حج وجود دارد موضوع این قسمت است.

بند اول: پیشینه مناطق بین‌المللی شده

پیش از این برخی مناطق مورد اختلاف یا مورد توجه بین‌المللی، به عنوان منطقه بین‌المللی معرفی شده‌اند. مناطقی در هلند، عراق و کانادا از این جمله هستند. از جمله مناطقی که هم جنبه دینی داشته و هم بین‌المللی اعلام شده، منطقه بیت‌المقدس در فلسطین اشغالی است. سازمان ملل متحد به دلیل درگیری‌ها میان رژیم صهیونیستی و مردم فلسطین در این منطقه، اعلام کرد بیت‌المقدس تحت حاکمیت هیچ دولتی قرار ندارد، بلکه به عنوان یک منطقه ویژه^۱ تحت حاکمیت و مدیریت سازمان ملل متحد قرار دارد. منطقه حجاز به عنوان یک منطقه مقدس اسلامی که به تمام مسلمانان تعلق دارد، لازم است مکان امنی برای زائران خانه خدا باشد. قرآن کریم در وصف مکه مکرمه می‌فرماید: ﴿وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ﴾ (تین: ۳)؛ ﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ﴾ (بقره: ۱۲۶)؛ ﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ﴾ (عنکبوت: ۶۷). بر این اساس لازم است مکه به عنوان امن‌ترین منطقه جهان معرفی گردد.

بند دوم: بین‌المللی شدن حج در چارچوب یونسکو

یکی از کنوانسیون‌های سازمان آموزشی، اجتماعی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) حمایت از کنوانسیون میراث فرهنگی غیرملموس است که هر دو کشور ایران و عربستان عضو آن هستند. طبق این کنوانسیون، بخشی از میراث فرهنگی غیرملموس عبارت است از آداب و سننی که گروهی از مردم آن را بخشی از میراث فرهنگی خود

1. corpus separatum

قلمداد کنند؛ چنان‌که برخی مراسم مذهبی مانند مراسم رامان هندوها در هند و تعزیه‌خوانی در ایران طبق این کنوانسیون در یونسکو به ثبت رسیده است. برگزاری حج نیز به عنوان بزرگ‌ترین گردهمایی مسلمانان جهان، می‌تواند از سوی عربستان در لیست میراث‌های فرهنگی غیرملموس یونسکو ثبت گردد. در این صورت امکان نظارت و بازخواهی از عربستان در نحوه مدیریت آن فراهم خواهد آمد.

بند سوم: بین‌المللی شدن حج در چارچوب سازمان کنفرانس اسلامی

برخی احزاب و گروه‌های سیاسی معتقدند برای اداره مراسم حج، لازم است شورایی بین‌المللی مرکب از تمام کشورهای اسلامی تشکیل شود و امور حج را در دست گیرد.^۱ این ضرورت زمانی آشکارتر می‌شود که رفتارهای تبعیض‌آمیز عربستان در برگزاری مراسم حج نسبت به شیعیان و ایرانیان را یادآور شویم. همچنین تبلیغ تفکر وهابیت در جریان برگزاری حج، نوعی سوء استفاده از این موقعیت از سوی دولت عربستان است که یک عمل متخلفانه اخلاقی و نزاکتی است.

همان‌طور که در بند ۱۱ ماده ۱ منشور سازمان کنفرانس اسلامی آمده است، یکی از اهداف سازمان همکاری، حمایت از میراث اسلامی^۲ است. سازمان کنفرانس اسلامی می‌تواند از طریق «مرکز تحقیقات تاریخ، هنر و فرهنگ اسلامی»، به عنوان یک نهاد فرعی این سازمان، مقررات لازم برای مدیریت بین‌المللی حج از سوی کشورهای اسلامی را مورد بررسی قرار دهد.

گفتار دوم: مداخله بشردوستانه

مداخله بشردوستانه از مفاهیم نوپدید حقوق بین‌الملل است. مداخله در کشورها از منظر حقوق بین‌الملل ممنوع، و مداخله نظامی به طور اولی نامشروع است. تنها

1. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13940703000324>

2. safeguard Islamic heritage

استثنائات مداخله نظامی، دفاع مشروع و قطعنامه فصل هفتم منشور ملل متحد است. مداخله بشردوستانه در سال‌های اخیر از سوی کشورهای غربی به عنوان استثنایی جدید بر مداخله و تجاوز نظامی مطرح شده است که در خصوص عرفی شدن آن تردید وجود دارد.^۱ مداخله بشردوستانه در رابطه با پدیده‌های انسانی و پدیده‌های طبیعی متفاوت است. در مواردی که ادعا شود دولتی به نقض سیستماتیک حقوق بشر مردم خود دست می‌زند، مداخله نظامی کشورهای خارجی علیه دولت مرکزی مطرح می‌شود. مثال این حالت حمله ناتو به کوزوو در سال ۱۹۹۹ و حمله ناتو به عراق در سال ۲۰۰۳ و حمله فرانسه به مالی در سال ۲۰۱۳ است. در مواردی که دولت دچار بلایای طبیعی مانند سیل و زلزله شود و دولت مرکزی توانایی مدیریت امور را نداشته باشد کشورهای خارجی برای حمایت از مردم وارد آن کشور می‌شوند؛ مانند ورود نیروهای آمریکایی به هائیتی به دنبال زلزله هفت ریشتری در سال ۲۰۱۰ که به بهانه کمک‌های بشردوستانه صورت گرفت.

کشتار ناشی از ازدحام جمعیت نیز یکی از فجایع انسانی است که در صورت فقدان کفایت دولت مرکزی، می‌تواند ورود نیروهای کمک‌رسان کشورهای خارجی را مشروع سازد. در خصوص حادثه منا و حوادث مشابه لازم است مقدمات ورود نیروهای هلال احمر کشورهای همسایه یا هلال احمری تحت مدیریت سازمان کنفرانس اسلامی فراهم آید.

۱. رک: «مداخله بشردوستانه از دیدگاه نظریه‌های روابط بین‌الملل»، رحمت حاجی مینه، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ش ۸.

